ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴-۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷-۸۸۵۰۱۳۰۰
-۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵و۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امورمشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰-۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

یکشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۰- شماره ۶۷۸۲

WWW.INN.IR

info@inn.ir

دیگر رسانه‌ها

زندگی باورنکردنی فرانچسکو آچربی

سرطان نجاتش داد!

اوایل سال ۲۰۱۴ فرانچسکو آچربی به اجبار و برای مقابله با سرطان بیضه و شروع شیمی درمانی دیگر برای ساسوئولو بازی نکرد. زندگی روزمره‌اش عجیب بود. صبح ها همزمان با شیمی درمانی تلویزیون می‌دید (سریال مورد علاقه‌اش دکتر هاوس با بازی هیولاری بود)، بعد ظهر کمی استراحت می‌کرد، شب به کلوپ های شبانه می‌رفت و گاهی تا ساعت ۷ صبح وقتش را در این مکان ها می‌گذراند. این سبک زندگی مطمئناً به یک سبک زندگی فوق حرفه‌ای مانند زندگی کریستیانو رونالدو نزدیک نبود.

یکی دیگر از بخش های زندگی روزمره‌اش خوردن پیتزا با تن ماهی و پیاز بود؛ چون به خاطر شیمی درمانی دیگر چندان به طعم غذاها اهمیتی نمی‌داد. او می‌گوید: «گاهی وقت‌ها اصلاً غذا نمی‌خوردم، خواب هم نداشتم.»

یک سال بعد از سرطانش، یک روز وحشت‌زده از خواب پرید: «ناگهان به این فکر کردم که که چقدر باعث نگرانی پدر و مادرم می‌شدم، به فرصت های از دست‌رفته و شب‌هایی که در کلوپ های شبانه گذرانده‌ام فکر کردم. صبح آن روز از سایه خودم هم می‌ترسیدم. شروع کردم به دیدن یک تراپیست که خیلی کمکم کرد.»

هفت سال بعد آچربی آماده است تا برای اولین بار در مسابقات جام ملت های اروپا بازی کند. حالا ۳۳ سال دارد، یکی از بهترین مدافعان میانی سری A ایتالیاست و سرمربی تیم ملی او را یکی از ستون های خط دفاعی‌اش می‌داند. آچربی چپ پاست، از نظر فنی با استعداد است و می‌تواند با همراهی لئوناردو بونوچی، جورجیو کیه‌لینی و الساندرو باستونی از دروازه جانلوئیجی دوناروما محافظت کند. حالا او زندگی‌ای دارد که همیشه آرزویش را داشته اما مسیری که طی کرده پستی و بلندی خودش را داشته است.

آچربی نزدیک میلان بزرگ شد و عاشق فوتبال بود. یک بار در اظهار نظری گفته بود: «عضو فوسا دی لئونی، اولتراهای میلان، بودم.» در سن ۱۴ سالگی تیم کوچک اتلتیکو چیوزیو را ترک کرد تا به همراه دوستانش فوتبال آماتور بازی کند اما به شکلی دوباره به فوتبال حرفه‌ای برگشت. در ۲۰ سالگی، با تیمی در دسته چهارم ایتالیا قرارداد بست. در ۲۲ سالگی در سری B حضور داشت. در ۲۳ سالگی برای اولین بار در سری A برای تیم کیه‌وو بازی کرد. سال ۲۰۱۶ در این باره گفته بود: «این کار را برای پدرم انجام دادم، نه برای خودم. رابطه‌مان عشق و نفرت همزمان بود. دائماً من را به چالش می‌کشید. سال ۲۰۱۱ بعد از اینکه با جنوا قرارداد امضا کردم، قرارداد امضا شده را جلوی صورتش گرفتم.»

فرانچسکو آچربی حالا خوشگذرانی را کنار گذاشته تا به تمریناتش بپردازد و عصرها را هم در خانه و در آرامش بگذراند.

روبرتو پدر آچربی مشکل قلبی داشت. ۷ بار دچار سکته قلبی شده بود اما در سال ۲۰۱۲ و چهار ماه قبل از ثبت قرارداد پسرش با میلان فوت کرد. آچربی هفت سال پیش گفت: «دلم برای چالش هایش تنگ می‌شود. من پیراهن شماره ۱۳ الساندرو نستا را برتن می‌کردم اما به جای تمرین کردن به مهمانی می‌رفتم. همه چیز می‌خوردم و جدّاً به خداحافظی از فوتبال فکر می‌کردم. سرطان زندگی من را نجات داد. از خدا به خاطرش متشکرم.»

جولای سال ۲۰۱۳ و در آزمایش پزشکی پیش فصل تیم ساسوئولو، پزشکان تشخیص دادند که آچربی به سرطان بیضه مبتلا شده است. آنها تومور را درآوردند اما مدتی بعد دوباره برگشت و به همین خاطر او مجبور شد به مدت سه ماه شیمی درمانی کند: «آن زمان ترسی نداشتم. فقط به این فکر می‌کردم که چرا سرطان من را عوض نکرده. بعدش در یک روز تعطیل و در خواب بین روزم رؤیای عجیبی دیدم. مثل این بود که خدا و پدرم یکی هستند و من را تحت فشار می‌گذارند تا بهتر شوم. اشک ریختم و متوجه شدم که سرطان یک فرصت است. دوباره چیزی وجود داشت که می‌توانستم با آن مبارزه کنم.»

یک زندگی جدید شروع شد. دیگر به جای خوشگذرانی‌های شبانه، سبک زندگی معمولی داشت؛ تمرین می‌کرد و عصرها را در خانه و در آرامش می‌گذراند. نوشیدنی الکلی مصرف نمی‌کرد و فقط آب، سبزیجات، میوه، برنج و برساولا، گوشت گاو خشک شده و نمک سود، می‌خورد. تغییرات خوب هم از راه رسید. از اکتبر ۲۰۱۵ تا ژانویه ۲۰۱۹ آچربی ۱۴۹ بار پیاپی برای ساسوئولو بازی کرد و به رکورد ۱۶۲ بازی خاویر زانتی نزدیک شد. بیشتر از سه سال در هیچ دیداری غایب نبود و مصدوم هم نشد.

تیم لسترسیتی با «آچه» تماس گرفت اما پاسخ اونه بود. برای ترک ساسوئولو، باشگاهی که مثل خانواده‌اش بود و همیشه کنارش ماند، عجله‌ای نداشت. آچربی برای افراد دارای معلولیت و کودکان مبتلا به سرطان وقت می‌گذاشت. تقریباً هر پنجشنبه روپوش کارش را می‌پوشید و همراه کارگران معلول شناورهای ماهی‌گیری و خمیر مجسمه‌سازی می‌ساخت. او می‌گوید: «اینجا حس می‌کنم در خانه هستم. این آدم ها همدیگر رو بغل می‌کنند، همیشه می‌گویند «ممنونم» و بقیه را قضاوت نمی‌کنند. به من کمک می‌کنند از دریچه درستی به زندگی نگاه کنم.»

آچربی سال ۲۰۱۸ به لاتزیو رفت و در چند ماه گذشته در سطح لیگ قهرمانان فوتبال بازی کرد اما اولویت هایش تغییر نکرده است. هنوز هم مرتب بچه های بیمار را می‌بیند و از پدرش کمک می‌خواهد. او یکی از طرفداران کارل جوزف وویتیلا، پاپ ژان پل دوم است و در زندگی‌اش ارزش های کاتولیک دیده می‌شود. پروفایل واتساپش عکسی است در کنار پسربچه‌ای به نام الیا که به خاطر سرطان فوت کرد و نمی‌خواهد تغییرش دهد. بعد از مرگ دوست کم سن و سالش نوشت: «الیا شیر من است، در حال مبارزه با سرطان جانش را از دست داد.» شیر برایش به یک نماد تبدیل شده است. روی سینه و بازوی سمت راستش عکس شیر را خالکوبی کرده و لقبش «لئون» است، به معنی شیر در زبان ایتالیایی.

زندگی همیشه او را به چالش کشیده است. آچربی سال ۲۰۱۶ دو خواسته داشت. اول اینکه بتواند در مسابقات یوروی فرانسه بازی کند. دوم اینکه با نامزدش سرنا ازدواج کند. آنتونیو کونته او را انتخاب نکرد و رابطه‌اش با سرنا تمام شد. ۵ سال بعد هیچ کس شک ندارد که مانچینی او را برای تیم ملی انتخاب می‌کند و حالا همسرش کلادیا که از سال ۲۰۲۰ با هم در رابطه هستند، باردار است. «آچه» به زودی صاحب یک دختر می‌شود و شاید یک روزی یک پسر هم به جمع خانواده‌اش اضافه شود. برای انتخاب اسم دخترش بین چِلسته، آئورا و ویتوریا مردد است. و برای پسری که شاید در آینده داشته باشد؟ الیا گزینه بدی نیست.

(این مطلب پیشتر در سایت هفت یک منتشر شده است)

عکس روز

فریاد ایتالیایی

هروقت تیم ملی ایتالیا بازی دارد، عکس ها خود را آماده به تصویر کشیدن این صحنه می‌کنند. وقتی سرود ملی ایتالیا نواخته می‌شود، بازیکنان آتزوری طوری از ته دل فریاد می‌زنند و سرود ملی کشورشان را می‌خوانند که همه عاشق این تیم می‌شوند. ایتالیا اولین بازی جام را موفق شد با ۳ گل از ترکیه ببرد و با روحیه‌ای بالا آماده بازی دومش است که چهارشنبه مقابل سوییس برگزار می‌شود.

کاریکاتور

عمر ممانی کاریکاتوریست سایت گل با کشیدن این تصویر و یادآوری شرکت خودروسازی اسپانسر بازی که توپ بازی را به وسط زمین آورد، خواسته بگوید جام هم برای ایتالیایی ها محیاست اما آیا درخشش ایتالیا در بازی های بعد ادامه پیدا می‌کند؟ آتزوری همیشه جام ها را بد شروع می‌کند اما این بار از همان اول خوب بود.

در چنین روزی

۲۳ خرداد ۱۳۸۴

رینای جوان جانشین معجزه‌گر دیدار استانبول

در پی مذاکرات جدی باشگاه «لیورپول» با دروازه‌بان ۲۲ ساله اسپانیایی، «جرزی دودک» چندان به آینده خود در این تیم امیدوار نیست.

به گزارش روزنامه «لیورپول اکو» چاپ لیورپول، «رافایل بنیتز» سرمربی اسپانیایی تیم لیورپول در مرحله نهایی مذاکره با باشگاه اسپانیایی «ویارئال» برای جذب «خوزه ریه نا» دروازه‌بان جوان این تیم در ازای پرداخت هشت میلیون پوند قرار دارد.

دودک با آن که یک فصل نه چندان پرفروغ را در لیورپول پشت سر گذاشت با درخشش باورنکردنی در دیدار نهایی جام قهرمانی باشگاه‌های اروپا در مقابل آ.ث. میلان در ورزشگاه استانبول یک شبه به محبوب‌ترین بازیکن لیورپول تبدیل شد.

با این همه مدت کوتاهی پس از اتمام جشن‌های گسترده هواداران لیورپول، بنیتز تأکید کرد که نباید اجازه داد ابرهای احساسات ناشی از قهرمانی در اروپا مانع برنامه‌ریزی دقیق برای فصل آینده و بازسازی این تیم شود.

بنیتز ضمن آن که از درخشش دودک در فینال جام باشگاه‌های اروپا تقدیر کرد گفت که تصمیم برای یافتن یک جانشین و رقیب برای دودک را نه بر مبنای یک دیدار بلکه بر اساس عملکرد دراز مدت وی گرفته است.

از زمانی که بنیتز اسپانیایی یک سال پیش از والنسیا جدا شد و رهبری لیورپول را در دست گرفت چند بازیکن هموطن خود را از لالیگا به لیورپول آورده است.

تک به تک

سام ستارزاده

ایران - کامبوج؛ مرور گلزنی با ۲۳ ستاره

یک زنگ استراحت جدی

دیدار با کامبوج را می‌توان یک تنفس به موقع برای تیم ملی دانست؛ نه تنها یک فرصت برای استراحت بازیکنان تأثیرگذاری نظیر سردار آزمون و تمرین گلزنی برای ملی‌پوشان‌مان، بلکه یک فرصت برای خودنمایی نیمکت‌نشینان پرانگیزه‌ای که مقابل بحرین و هنگ کنگ، علی‌رغم شایستگی‌شان نوبت بازی به آنان نرسید. همانطور که در بازی رفت ایران و کامبوج محمد محبی به تیم ملی معرفی شد و دو گل از ۱۴ گل ایران را سهم خود ساخت، جمعه شب نیز میلاد سرلک طعم شیرین بازی برای تیم ملی کشورمان را برای نخستین مرتبه چشید؛ و مهدی قایدی و امیرعابدزاده که در بازی‌های گذشته نیمکت‌نشینان ستاره‌هایی همچون طارمی، آزمون و بیرانوند بودند نیز تعداد بازی‌های ملی اندک اما درخشان خود را به تعداد انگشتان دو دست نزدیک‌تر کردند.

هرچند تفاضل گل بالای حاصل از دیدار با کامبوج در قیاس ایران با تیم‌های ملی دوم گروه‌های هشت‌گانه کارایی ندارد اما آنچه در میدان مسابقه مقابل همین رقیب بی‌دردسر رقم خورد، برای بسیاری از ما روحیه‌بخش بود. برای نخستین مرتبه در تاریخ تیم ملی، در یک دیدار رسمی پای ۸ بازیکن متفاوت ایران به گلزنی باز شد. از میان این ۸ بازیکن، شجاع ۳۲ ساله که روی یک ضربه کرنر دروازه کامبوج را گشود و میلاد محمدی که ۳۹ بازی ملی را بدون گل زده پشت سر گذاشته بود، برای اولین مرتبه با پیراهن تیم ملی گل‌های زده خود را جشن گرفتند. در دیدار رفت نیز حسین کنعانی و مهرداد محمدی، همبازی سابق شجاع و برادر دوقلوی میلاد اولین گل ملی خود را برابر همین کامبوج ثبت کرده بودند.

امیدبخش‌تر از تمام این افراد که با ثبت یک «اولین» بازی با کامبوج را برای خود به خاطره بدل ساختند، مهدی قایدی بود، تنها بازیکن زیر ۲۳ سال لیست فعلی دراگان اسکوچیچ که در همان نمایش چشم‌نواز ۳۴ دقیقه‌ای خود هیچ نشانی از یک مهاجم بی‌تجربه نداشت. پاس گل حرفه‌ای به میلاد محمدی، گرفتن یک ضربه پنالتی روی حرکت تکنیکی انفرادی و میان سه مدافع رقیب و گل تماشایی‌اش به رقیب سرمه‌ای‌پوش که امتیاز ایران را به ۹ رساند، تنها سه پرده برجسته از حرکت‌های چشم‌نواز متعدد باشوی کوچک بوشهری بوده‌اند که بیش از یک مهاجم جوان و تازه‌وارد، نمایش او را به یک شماره ۱۰ و کاپیتان استقلال شبیه می‌ساختند.

اگر بخواهیم از بازی مقابل کامبوج یک دلیل برای نگرانی‌مان بیابیم، آن دلیل می‌تواند حضور فیکس صادق محرمی در تمام دقائق باشد. ارسال بی‌نظیر محرمی که با ضربه سر کاوه رضایی توأم شد و گل هشتم ایران را ساخت، کوچک‌ترین پرده در سه دیدار اخیرمان بود که آمادگی مثال زدنی فرزند خلف مجتبی محرمی را به رخ‌مان می‌کشد اما همین بی‌جانشین بودن وی می‌تواند دلیل نگرانی ما از جناح راست خط دفاع‌مان مقابل عراق باشد. در شرایطی که در سایر پست‌ها، دیدار با کامبوج ثابت کرد که ما علاوه بر یک بازیکن ثابت روی فرم، یک نیمکت‌نشین با انگیزه و آماده نیز داریم، در دفاع راست اگر خدای ناکرده اتفاقی برای محرمی پیش آید، دانیال اسماعیلی فر بدون تجربه بازی ملی روبه‌روی عراق قرار خواهد گرفت.

بدون در نظر گرفتن این نگرانی، رویارویی با قعرنشین گروه‌مان، یک زنگ استراحت جدی و مفید تلقی می‌شود، هم برای بیرانوند، آزمون، طارمی و علی قلی‌زاده که تمام یا بخش زیادی از انرژی خود را برای تقابل با عراق نگاه داشتند و هم برای نیمکت‌نشینانی که اثبات کردند تیمی که دراگان اسکوچیچ ساخته، نه به یک یا دو ستاره، بلکه به ۲۳ ستاره متکی است.

پرونده

گزارش یک

میعاد نیک

بشمار ۱۰!

حرکت ستاره‌های دنبال‌دار ملی‌پوش مانند سردار آزمون، مهدی طارمی، سامان قدوس، علی‌رضا جهان‌بخش و مهدی قایدی درست در شب‌هایی از سر گرفته شده که آسمان تیره‌وتار فوتبال ایران به روشنایی ممتد نیاز دارد؛ چیزی شبیه به یافتن صور فلکی برای کسی که در بیابان شب‌زده گم شده باشد

واکاوی فنی و بررسی تکنیکال نقاط ضعف و قوت نمایش تیم ملی فوتبال ایران مقابل تیم ملی فوتبال کامبوج با نتیجه ۱۰ گله‌ای که به دست آمد، شاید توجیهی منطقی و نزدیک به واقعیت نداشته باشد اما این دیدار سرشار از فاکتورهایی بود که یوزهای ملی‌پوش برای پیروزی مقابل تیم ملی فوتبال عراق در آخرین و حساس‌ترین جدال به آنها نیاز خواهند داشت. جشنواره گل شاگردان دراگان اسکوچیچ در استادیوم فوتبال ملی منامه گرچه طبق متد جدید کنفدراسیون فوتبال آسیا در تعیین تیم دوم صعودکننده چندان ارزشی نداشت اما توانست روحیه مضاعفی را به اتمسفر رختکن یوزهای سپیدپوش تزریق کند تا این ملی‌پوشان با ساق هایی سراسر انگیزه به مصاف اصلی‌ترین رقیب خود در دربی غرب آسیا بروند.

تیم ملی حالا به سومین پیروزی متوالی خود در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر دست یافته و این مهم به دست نیامده مگر با استیلای روحیه و فاق و همدلی در اردوی یوزها. شکست دادن تیم ملی فوتبال هنگ کنگ در نخستین گام و سپس کسب یک پیروزی شیرین و انتقامی مقابل بحرینی های میزبان به خامه‌ای شیرین روی کیک صعود نیاز داشت تا پس از طلسم شکنی مقابل شیرهای سبز و سپیدپوش عراقی، نخستین موفقیت رسمی کادرفنی جدید ملی‌پوشان حاصل شود. به‌ثمر رساندن ۱۰ گل و از دست دادن حداقل ۱۰ موقعیت مسلم گل‌زنی دیگر مقابل فوتبالیست‌های کامبوجی را نباید صرفاً امری ساده و بدیهی دانست؛ ماجرا جایی جذاب‌تر می‌شود که بدانیم همین کامبوج که طی دو دیدار رفت و برگشت مجموعاً ۲۴ گل از یوزهای سپیدپوش ایرانی دریافت کرده، از عراقی‌ها در مجموع متحمل ۸ گل شده و حتی توانسته یک بار دروازه شیرها را باز کند.

نه این که سطح فوتبال ایران و عراق در حد قیاس با فوتبال کشوری توسعه‌نیافته مانند کامبوج باشد اما از این تقابل می‌توان به نکات آماری و دیتاهای زیادی دست یافت. در گام نخست باید به قدرت فرامتنی و فراآسیایی مهاجمان سپیدپوش تیم ملی فوتبال کشورمان واقف و معترف بود که به جرأت می‌توان گفت نظیر کمیستری و هارمونی آن در هیچ‌جای قاره کهن یافت نخواهد شد. ترکیبی مشتمل بر ستاره‌های درخشان لیگ‌های اروپایی آنقدر باتجربه و البته باانگیزه هست که هر دفاعی را به لرزه دربیاورد و آن لرزه را دقیقه به دقیقه به تن حریف نامدار سبزوسپیدپوش بیندازد. حرکت ستاره‌های دنبال‌دار ملی‌پوش مانند سردار آزمون، مهدی طارمی، سامان قدوس، علی‌رضا جهان‌بخش و مهدی قایدی درست در شب‌هایی از سر گرفته شده که آسمان تیره‌وتار فوتبال ایران به روشنایی ممتد نیاز دارد؛ چیزی شبیه به یافتن صور فلکی برای کسی که در بیابان شب‌زده گم شده باشد.

اما به‌ثمر نرسانده ۱۰ موقعیت حساس دیگری که مقابل تیم ملی فوتبال کامبوج نصیب سپیدپوشان ایرانی شد هم می‌تواند به ناقوس هشداری برای کادرفنی تبدیل شود. از دست دادن موقعیت‌های حیاتی و حساس در بازی نهایی مقابل تیم ملی فوتبال عراق شاید مهم‌ترین و بزرگ‌ترین رقیب‌مان باشد. از لحاظ تاکتیکی و فردی قطعاً نسبت به عراقی‌ها از برتری محسوسی برخوردار هستیم اما بی‌دقتی و تعلل می‌تواند به پاشنه آشیل‌مان در راه صعود به مرحله پایانی مبدل گردد. حالا گوی و میدان زیر ساق های یوزهای ماست؛ با یک پیروزی می‌توان عرش را در نور دید و رؤیای پرواز به قطر را در سر پروراند.

تک به تک

سامان موحدی راد

به حاشیه‌ها فکر نکن

اعاده حیثیت از لیگ ایران

درباره ترکیب ایران و نحوه بازی کردنش در برابر کامبوج پیش‌بینی‌های زیادی می‌شد. بیشتر این پیش‌بینی‌ها معطوف به نتیجه بازی ایران و بحرین و با در نظر گرفتن بازی حساس ایران برابر عراق بود و روی یک خط حرکت می‌کرد: ایران برای بازی آسانش برابر کامبوج با ترکیب اصلی به میان نمی‌رود و احتمالاً یک پیروزی کم گل و کم خطر را در پیش می‌گیرد تا با استراحت ستاره‌ها در این بازی همه به بازی حساس برابر عراق برسند اما اسکوچیچ نشان داد که اشتهای زیادی برای پیروزی‌های پرگل دارد و از همین روزنه‌های کوچک هم برای بازی گرفتن از ستاره‌هایش و قرار دادن تیم ملی در موقعیت‌های تمرینی بهترین بهره را می‌برد. برای همین هم تیم تقریباً با همه ستاره‌هایش برابر کامبوج به میدان رفت و با پیروزی خیره‌کننده ۱۰ بر صفر کارش را پایان داد. اگرچه به کامبوج ۴ گل کمتر از بازی رفت زدیم اما احتمالاً همه متفق‌القول هستیم که وضعیت امروز تیم ملی از آنچه در آن پاییز پیش از کرونا و در دستان ویلموتس بوده بهتر است. تیمی که حالا کمی از خودش شخصیت تیمی نشان داده و کیفیتش هم در زمین بازی به بازی بهتر شده و همه را امیدوار کرده که از پس بازی حساس آخر در برابر عراق هم به خوبی برخواهد آمد.

اگرچه اسکوچیچ در این بازی به ستاره‌های اصلیش استراحت نداد و تقریباً از همه بازی گرفت اما نیمه دوم فرصتی شد تا بازیکنانی مثل مهدی قائدی و کاوه رضایی هم در ترکیب تیم ملی حضور یابند و همین فرصت یک نیمه‌ای به مهدی قائدی کافی بود تا او عملکرد خیره‌کننده‌اش در زمین را به نمایش بگذارد. یکی از بهترین محصولات لیگ برتر ایران که با آمار خیره‌کننده هر چهار دقیقه یک دریبل همه‌کاره زمین در نیمه دوم بود؛ هم گل زد و هم پاس گل داد و هم پنالتی گرفت. اگرچه اسکوچیچ نشان داده مثل کی‌روش و ویلموتس روی ستاره‌های لیگ‌های اروپایی حساب ویژه‌ای برای ترکیب اصلی‌اش باز کرده اما نمایش خیره‌کننده قائدی احتمالاً او را مجاب می‌کند تا در بازی‌های بعدی تیم ملی به ترکیب تحمیل شود. مهدی قائدی البته می‌تواند یک گزینه بسیار مناسب برای تعویض‌های طلایی هم باشد. بازیکن سریع و تکنیکی‌ای که می‌تواند با حضورش در نیمه دوم بازی گره از کار تیم باز کند.

این نمایش در برابر کامبوج به گونه‌ای اعاده حیثیت از لیگ ایران هم بود و ستاره‌های لیگ ایران هم توانستند خودشان را به ترکیب تیم ملی تحمیل کنند. اسکوچیچ بسیار خوشبخت است که چنین ستاره‌هایی را در چنین وضعیتی از آمادگی در اختیار دارد. بازیکنانی که در تیم‌هایشان بهترین هستند و در بهترین فرم به تیم ملی هم رسیده‌اند. تنها نقطه نگران‌کننده بازی پایانی حواشی احتمالی دیدار با عراقی‌هاست. چیزی که در چند رویارویی اخیر ایرانی‌ها و عراقی‌ها از آن گریزی نبوده و باید بازیکنان تیم ملی از آن پرهیز کنند.